

روزنامه سیاسی ،اقتصادی، فرهنگی ، اجتماعی ، ورزشی صبح ایران
www.sharghnewsaper.ir- پست الکترونیکی: Info@sharghnewsaper.ir
صاحب امتیاز و مدیر مسئول : مهدی رحمانیان
نشانی : تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴
نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (۲۲۰خط)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۹۹، نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵
امور فنی ، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق- چاپ : افست

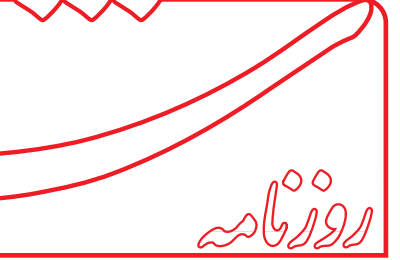
صفحه اول روزنامه صبح ایران

راهنمای امروز

تلويزيون امروز		
سريال روشتايي های شهر	دو	۱۳/۰۰
سريال مرگ در سکوت	دو	۱۶/۰۰
سريال خانواده در دام	پنج	۱۹/۰۰
سينمای ديگر	دو	۲۱/۰۰
سريال روزهای به يادماندني	یک	۲۲/۰۰
آوای ایرانی	چهار	۲۲/۱۵
سريال اولتيمو	پنج	۲۳/۰۰

سينمای امروز
آتش بس (تهمينه ميدانی)
آفریقا – ایران – عصر جديد ۲ – پارس ۱ – آسيا گلريز ۲ – بهمن ۲ – جوان ۲ – پروزی – المپيا سپيده ۱ – شاهد – ماندانا – پایتخت – فرهنگ ملت – ناهيد – ايران ۱
باغ های کندولس (ايرج کريمي)
فرهنگ ۲– فلسطين ۲– سپيده ۲
چند می گیری گريه کنی
استقلال– بلوار – آستانرا – بهمن۱ – مرکزی ۱ دهکده – سروش – تهران ۱– پوند – گلريز ۲ کانون – شيرين – پيام
به آهستگي (مازيار ميری)
عصر جديد۱ – صحرا – شهر تماشا – فرهنگ ۱
ازدواج به سبک ایرانی
قدس – ايران ۳ – فلسطين ۱– مرکزی ۲ – جی ۱ ميلاد – جوان ۱
شغال
فلسطين ۳ – تهران ۲ – رودکی – مرکزی ۳– شاهد فردوسی – اروپا – سعدی – جی ۲ – فرخ
انتخاب
کارون – جمهوری

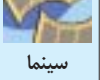
تجسمی امروز
نمایشگاه نقاشی ارشدیر محمصص
گالری هما- ۲۲۰۵۵۶۲۹
نمایشگاه نقاشی کوروش شیشه گران
نگارخانه خاک- ۲۲۶۰۵۴۶۵
نمایشگاه نقاشی علی رضا
نگارخانه اثر- ۸۸۳۲۶۶۸۹
نمایشگاه نقاشی گروهی
نگارخانه آتشزاد - ۸۸۸۴۴۵۷۲
نمایشگاه ناهید مدنی
نگارخانه بنفشه - ۸۸۰۳۴۴۲۷
نمایشگاه گروهی هنرهای عشایری
نگارخانه پاسارگاد - ۲۲۵۴۰۴۰۷
نمایشگاه نقاشی محبوبه کمیی پور
نگارخانه ثروت - ۸۸۷۹۸۷۰۷
نمایشگاه گروهی نقاشی
نگارخانه دریاییگی - ۸۸۰۸۳۳۲۷
نمایشگاه گروهی نقاشی - گرافیک
نگارخانه شاهد - ۶۶۹۶۹۶۲۶
نمایشگاه طراحی- نقاشی
نگارخانه کمال الدین بهزاد - ۸۸۹۶۰۴۵۳
نمایشگاه نقاشی گروهی
نگارخانه نوا - ۲۲۰۴۷۷۸۹



سال سوم ■ شماره ۷۸۱■دوشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ ■ ۱۵ جمادی الاول ۱۴۲۷ ■ ۱۲ و۲۰ ثور ۲۰۰۶

فرهنگی

ماموریت جعفری جلوه برای مجیدی، شفق و درویش



از هرگونه شائبه

نفوذ قدرت مصون و محفوظ باشند. در این نشست جمعی از اهالی سینما به طرح نظرات و دلایل بروز اختلافات در مجموعه خانه سینما شدند. به گفته آنان، وجود برخی ابهامات در اساسنامه خانه سینما منجر به به وجود آمدن این فضا شده است. جعفری جلوه در این نشست همچنین گفت: تحول اقتصادی در سینما بدون ایجاد یک امنیت فرهنگی و یک آرامش روانی در نزد مخاطبان اصلی بدون در نظر گرفتن رونق اقتصادی صورت نمی گیرد. وی هنر و صنعت را دو عرصه مکمل یکدیگر دانست و گفت: سینما به فیلم سینمایی ساختن نیست، بلکه به سینما رفتن است. معاون وزیر ارشاد به رشد و بلوغ و حیات پر نشاط در فعالیت های جمعی در سینما اشاره کرد و گفت: به «خانه سینما» ای فراگیر و با نشاط و مستحکم نیازمندیم. وی گفت: حرکت مدیریت سینما برای ایجاد امنیت و افزایش اعتماد بوده است اما اهالی سینما آن گونه که لازم است به همدلی و همکاری نرسیده‌اند. به گفته وی، تشکیلات خانه سینما یک تشکیلات صنفی فراگیر برآمده از مجموع فعالان این عرصه است و خانه سینما باید سهم‌های خود را به عهده گیرد و در این کار مکمل و همراه پیش رود. وی معتقد است: سینمای کشور به یک خانه سینمای محکم با حاکثر مشروعیت و جامعیت و با حاکثر وجاهت نیاز دارد.

حکایت فیلمسازی در مملکت ما



حسین یاغی: بهروز افخمی چند روز قبل در مراسم تقدیر از فیلم‌های کوتاه برگزیده سال ۸۴ نظراتی پیرامون ساخت فیلم کوتاه ارائه داده است که توجه به این نظرات می‌تواند تکلیف بسیاری از آثاری که با نام فیلم کوتاه و بلند ساخته می‌شوند را مشخص کند. افخمی گفته: «علاق من به سینمای حرفه‌ای و داستانی بر اساس سینمایی است که صنعت محسوب می‌شود. رسالت سینما پرکردن اوقات فراغت مخاطبان است و اگر کارگردانی ضمن انجام این وظیفه به مضمون هنری پردرداز، قابلیت و توانایی خود را نشان داده است والا سینما در حالت عام جنبه تفریحی دارد.» او جنبه‌های ساخت فیلم کوتاه را برشمرده و گفته: «فیلمساز این عرصه باید شرایط سختی را تحمل کند، ریاضت بکشد و منتظر بماند که تهیه‌کننده‌ای پیدا شود تا سرمایه‌اش را بی محابا به پای او بریزد و در نهایت بداند که موفقیت فیلم به شانس او بستگی دارد.» افخمی معتقد است: «فیلم کوتاه به دلیل مدت زمان کوتاهش همیشه با مشکل تجاری روبه‌رو است و طبیعی است که نتواند خیلی مطرح شود بنابراین از مهجور ماندن فیلم کوتاه نباید شکایت داشت.»در شرایط امروز فیلمسازی در ایران اشاره به جنبه تجارتی یک فیلم در شمار امورات عرضی آن قرار می‌گیرد و در حد یک ژست هنری پایین آمده است. کارگردانی که برای فروش فیلمش تلاش می‌کند در واقع در پی کسب یک ژست است وگرنه هم خود او و هم تهیه‌کننده‌اش می‌دانند که با وجود این همه سوسید و تبصره، فروش یا عدم فروش فیلم، تاثیری در آینده شغلی آنها ندارد. ضرب‌المثل معروفی در سینمای ایران وجود دارد که می‌گوید: «اگر قرار بود تهیه‌کنندگان سینما به واسطه «فروختن» فیلم‌هایشان به زندان می‌رفتند، اکنون در زندان‌ها جای سوزن انداختن نبود.»این درحالی است که بخش اعظمی از تاریخ

ابوالحسن نجفی و وظیفه ادبیات

مهدی یزدانی خرم: ابوالحسن نجفی کتاب «وظیفه ادبیات» را بعد از سال‌ها تجدید چاپ می‌کند. نجفی این کتاب را در اواسط دهه پنجاه ترجمه و منتشر کرد. در این کتاب آرای بسیاری از نویسندگان مطرح آن سال‌ها در باب «تعهد ادبی» کنار هم قرار گرفته بود و همین امر باعث شد تا اثر به یکی از بحث‌برانگیزترین کتاب های نظری آن روزگار تبدیل شود. در این کتاب علاوه بر نظریات چندی از موافقان نمونه تعهد چپ ادبی در کنار نگاه های نویسندگانی آمده بود که به این مفهوم فراگیر حمله کرده و از آن انتقاد کرده بودند. . . . این کتاب در سال‌های بعد از انقلاب هم تجدید چاپ شده و حالا استاد نجفی آن را دوباره ترجمه و ویرایش و آماده چاپ کرده است. نجفی همچنین به ایسا گفته که آثار فراوانی را آماده تجدید چاپ دارد اما قصد دارد پس از ویرایش مجدد و به‌روزرکردن زبان ترجمه آنها، این کتاب‌ها را به چاپ بپرداز. ابوالحسن نجفی از جمله مترجمان و محققانی است که تاثیر فراوانی بر مترجمان و نویسندگان هم‌دوره و با بعد از خود گذاشته‌اند. او به سال



سال سوم ■ شماره ۷۸۱■دوشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ ■ ۱۵ جمادی الاول ۱۴۲۷ ■ ۱۲ و۲۰ ثور ۲۰۰۶

آبادان	۳۲+۳۲	بیرجند	۱۸+۳۲	سندج	۱۳+۳۳	همدان	۱۳+۳۵
اراک	۱۵+۳۶	تهران	۲۰+۳۷	شهرکرد	۱۵+۳۵	پارس	۲۰+۳۵
اردبیل	۱۴+۲۶	تبریز	۱۴+۳۱	شیراز	۲۲+۳۷	یزد	۲۰+۳۶
ارومیه	۱۲+۳۱	خرم‌آباد	۱۸+۳۸	قزوین	۱۶+۳۱	دبی	۳۷+۴۵
اصفهان	۱۸+۳۶	رشت	۲۱+۲۸	کرمان	۱۷+۳۰	نجف	۳۲+۳۹
اهواز	۳۰+۴۸	زاهدان	۲۰+۳۱	کرمانشاه	۱۴+۳۵	مکه	۳۱+۳۴
ایلام	۲۱+۳۶	زنجان	۱۳+۳۳	کاشان	۲۰+۴۰	مدینه	۳۰+۳۸
بجنورد	۲۰+۳۴	زابل	۲۶+۳۸	کیش	۳۱+۳۷	لندن	۱۸+۲۵
بندرعباس	۲۹+۴۴	ساری	۲۲+۲۹	گرگان	۲۱+۴۲	پاریس	۱۹+۲۷
بوشهر	۳۳+۳۵	سمان	۱۸+۳۶	مشهد	۲۰+۳۳	استانبول	۲۰+۳۰

تهران : اذان ظهر ۰۴ : ۱۲ اذان مغرب ۱۹:۴۰ اذان صبح ۰۲ : ۳۰

هشت دست، ایران

سیدعلی میرفلاح

به حسین یاغی‌چ‌ی عرض کردم: «صبر کن ببینیم نتیجه بازی ایران و مکزیک چه می‌شود، بعد من شورای قلندران را برگزار کنم، ببینم پیرمردان چه می‌گویند.» گفت: «منی توانم صبر کنم. کار روزنامه دیر می‌شود. فوق فوقش صفحه یک را نگه داریم برای بعد از بازی. ولی بقیه صفحات باید تا قبل از بازی برود لیتوگرافی. اصرار کردم، اما فایده نداشت. حق هم با او بود. ضمن اینکه متوجه شدم در لحشت عجله‌ای است که زودتر کاروبارش را سامان دهد و صفحه آخر را ببندد و با خیال راحت بنشیند پای تلویزیون. از قلندران هم که خواشش کردم جلسه را قبل از بازی برقرار کنیم، قبول نکردند. آنها هم حق داشتند، می‌گفتند: «فردا که مردم روزنامه می‌خرند، توقع دارند درباره برد یا باخت این بازی، نظر پیرمردان را بشنوند، نه اینکه ما بنشینیم درباره باد هوا حرف بزنیم. . . . ضمن اینکه متوجه شدم، آنها دارند خود را مهیا می‌کنند که در صورت برد احتمالی به خیابان بریزند و پاکبوی کنند و از همان کارها کنند که خواننده این سطور می‌کند. تازه یواشکی متوجه شدم که آقای امیرشاهی داشت سی دی‌هایی که برای امشب رایبت کرده بود، بین رفقای خود توزیع رایگان می‌کرد. من که البته فوتبال را به طور کلی نمی‌فهمم، اما وقتی پیرمردان را دیدم که امید به پیروزی یا حداقل مساوی داشتند، وقتی چشمم به مردم دل‌نگرانی افتاد که ترس از باخت احتمالی ناراحتشان می‌کرد، وقتی فهمیدم مردم چندر نیاز به برپایی یک جشن کوچک و از عمق دل دارند، ضمن آرزوی پیروزی، با حداقل مساوی از آقای یاغی‌چ‌ی خواستم، ادامه ستون را با اخبار اندیشه پر کند، تا ببینم عاقبت کار به کجا خواهد رسید. اگر بردیم توی خیابان می‌بینتمان و اگر باختیم. . . . خدا نکند. یک چیز بامزه هم- از نظر من بامزه- برایتان تعریف کنم. دیدم پیرمردان دارند با هم دیگر سرودی تمرین می‌کنند که اگر چه شنیدنی بود، اما مناسب نشان نبود. می‌خواندند: «. . . تیم ملی فوتبالش/ ما بچه‌های. . . . اگه پاش بفته واسه ایران می‌میرم/ ما بچه‌های. . . . گفتم: «شما بچه‌های؟» گفتند: «ما بچه‌های ایرانیم. . . .»

mirfattah@yahoo.com

خبرها

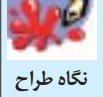
تقدیر پکا از نویسندگان منتخب ارشاد

شرق: پکا شرکت پخش و توسعه کتاب ایران به نمایندگی از صد ناشر پیشکسوت و فعال بخش خصوصی به نویسندگانی که در نمایشگاه امسال جایزه نخستین دوره ادبیات داستانی را دریافت کردند لوح احترام اهدا کرد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی امسال در نمایشگاه کتاب جایزه‌ای با عنوان ادبیات داستانی را به پنج نویسنده محمدرضا بایرامی، احمد دهقان، داوود غفارزادگان، مصطفی مستور و محسن مومنی اهدا کرد. اکنون پکا از نویسندگان منتخب ارشاد تقدیرکرده است. در لوحی که رئیس هیات مدیره جلال فهیم‌هاشمی امضا کرده آمده است: «. . . شرکت پخش توسعه کتاب ایران انتخاب جناب عالی را به عنوان یکی از نویسندگان برگزیده نخستین دوره اهدای جایزه ادبیات داستانی سال ۱۳۸۵ تبریک می‌گوید و برای شما ماندگاری کاتیزگذار در عرصه ادب و فرهنگ ایران را آرزومند است.»این لوح ساده و زیبا را گرافیتس های نشر کارنامه آماده کرده‌اند.

انتخابات سازمان نظام مهندسی در نشریه ساختمان و کامپیوتر

شرق: شماره یازدهم نشریه «ساختمان و کامپیوتر» منتشر شد. سرآغاز این نشریه حمیدرضا فریدونی مدیر مسئول «ساختمان و کامپیوتر» با توجه به نزدیکی زمان انتخابات هیات مدیره سازمان نظام

مهندسی ساختمان استان تهران مطلبی در این باره نوشته است: «. . . سازمان نظام مهندسی ساختمان هنوز بعد از ده سالی که از تشکیل آن می‌گذرد نتوانسته به جایگاهی که برای خود متصور است، دست یابد و تاثیر عملی مهمی در بهبود کیفیت ساخت و ساز بگذارد. . . از نگاه من در شرایط فعلی مهندسان عضو سازمان باید با حمایت از افکار صحیح جاری در سازمان و پیگیری خواست‌های خود حامی و بانی سازمان باشند. . . .امیر مسئول «ساختمان و کامپیوتر» در این مطلب از خاطرات خود درباره همکاری با سازمان نظام مهندسی و روند تحولات این سازمان نوشته است. «آشنایی با بنای ته‌میل»، «اندیشیدن پیرامون معماری، معماری پیرامون اندیشه»، «نمایشگاه بین‌المللی ساختمان تهران»، «ترافیک ساکن تهران»، «نانو تکنولوژی و کاربرد آن در مصالح نوین ساختمان» عناوین دیگر مطالب این شماره ساختمان و کامپیوتر است. در این شماره همچنین گفت‌وگویی با مهندس شمس الدین صدر مدیر عامل شرکت پای‌بندسازه و مهندس شهبازی انجام شده است. این شماره «ساختمان و کامپیوتر» در تعداد ۱۰۴ صفحه و با قیمت ۷۲ هزار تومان منتشر شده است.



جمال رحمتی

خدا حافظی زرقاوی



زنده باد زندگی

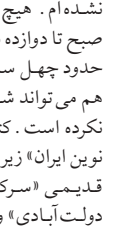
فیلم را دید یا نه. باور کنید که نوشتن یک ربویوی کوتاه، که همه چیز را در حد خلاصه داشته باشد و خواننده‌اش را پشیمان نکند، آسان نیست. در همین روزنامه شرق، بارها نوشته‌های ایرت را چاپ کرده‌ام و شاید ربویوی کوتاهش درباره «مأموریت: غیرممکن ۳» که یکشنبه در صفحه سینما چاپ شد، نمونه خوبی باشد. در این ربویو، ایرت با هم‌ان طنز هوشگانی‌اش، چنان زیرکانه درباره فیلم حرف می‌زند که وقتی یادداشتش تمام می‌شود، حس نمی‌کنید که دست‌خالی برگشته‌اید. اما شاید بپرسید این همه تعریف و تمجید به چه مناسبتی است؟ آخر همین ماه، ایرت ۶۴ ساله، برای چهارمین بار به اتاق عمل می‌رود تا تومور سرطانی‌اش را بردارند. خبر خوبی نیست. سرطان همیشه با آدم‌ها خوب تآمی‌کند، این را همه می‌دانیم، البته ایرت به یک اسلحه خوب مجهز است، یعنی همین چیزی که درباره‌اش می‌نویسد: سینما. او به امید سینما زنده است، و کسی چه می‌داند، شاید به همین امید باز هم ادامه بدهد.

زنده باد زندگی!



گزارشی از یک تئاتر بد اخلاق

حتی اگر فرضیه این کتاب، اینکه «شاهین سرکسیان بنیانگذار تئاتر نوین ایران» است را قبول نداشته باشیم، باز هم این کتاب نکات زیادی برای خواندن، دقت کردن و جست‌وجو کردن دارد. جمعی از هنرجویان هنرستان هنرپیشگی که در دهه ۳۰ به واسطه «احمد شاملو» به سرکسیان معرفی می‌شوند و خانه کوچک سرکسیان در خیابان رشت پاتوق، محل تمرین و کلاس درس آنها می‌شود در دهه ۴۰ سه جریان مهم تئاتری را رقم می‌زنند. «علی نصیریان» و «عباس جوانمرد» گروه هنر ملی را پیش می‌برند. «پیژن مفید» با «شهر قصه» راه دیگری را آغاز می‌کند و «آربی اوآنسیان» نیز آموخته‌های خود از سرکسیان را در «کارگاه نمایش» پی می‌گیرد. حتی آن دسته از شاگردانش که در ادامه محفل به نظر ریات و تعاریفی متفاوت از تئاتر دست پیدا کردند، به یک نکته آگاهند و آن اینکه بدون آموزه‌ها و محفل او رسیدن به تعاریفی دیگر برای آنها ممکن نبود. سرکسیان این توان را دارد که ۱۶ عنوان نمایشنامه ترجمه‌کنی بی‌آنکه حتی یکی از آنها چاپ شود و تنها معدودی از آنها اجرا شوند. سرکسیان می‌تواند ماه‌ها در خانه کوچک خود یک نمایش را تمرین کند و تا آخر آن نمایش تنها چند اجرا داشته باشد و یا اصلاً اجرا نشود. بی‌شک درس اول او برای شاگردانش عاشقانه کار کردن



نشده‌ام. هیچ وقت. به من بگویند کار کنم. از شش صبح تا دوازده شب کار می‌کنم. . . . این تئاتر بد اخلاق حدود چهل سال بعد از این مکالمه و در همین روزها هم می‌تواند شاهد چنین مکالماتی باشد. چیزی تغییر نکرده است. کتاب «شاهین سرکسیان، بنیانگذار تئاتر نوین ایران» زیر نظر و به اهتمام جمشید لایق از شاگردان قدیمی «سرکسیان» و «سه کوشش» غلام‌محسین ویراستاری کتاب توسط «علی اکبر علیداد» انجام شده‌است و مقدمه کتاب را نیز «آربی اوآنسیان» یکی دیگر از شاگردان «سرکسیان» و از چهره‌های خلاق تئاتر ایران نوشته است. این کتاب را انتشارات «هدف صالحین» به تعداد ۳۰۰۰ نسخه و با قیمت ۲۹۰۰ تومان منتشر کرده است.

سرکسیان کارمند بانک بود، همکار صادق هدایت. صمصره هم در یکی از نشریات فرانسوی‌زبان آن زمان قلم می‌زده است که در همان جا چند اثر از صادق هدایت را به زبان فرانسه ترجمه می‌کند. او هیچ‌گاه از تئاتر درآمدی نداشت. حقوق کارمندی و درآمد خود از روزنامه‌نگاری را هم خرج محفل کوچک خود می‌کرد. محفلی که در فضایی خفقال‌آور دهه ۳۰ به خاطر آن احضار و بازداشت هم می‌شود و احتمالاً بازجویی بیچاره هرچه بالا و پائین می‌کند چیزی جز عشق به تئاتر در او پیدا نمی‌کند. که آن هم برای آقای باজو چیز بارزتری محسوب نمی‌شده است. کتاب «شاهین سرکسیان،



خواندنی‌ها

